**

*اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم*

خارج فقه ج 63 - غایات الوضو -19/10/1400

*موضوع:* كتاب الطهارة/الوضوء /غایات وضو

مشهور فقها مس قرآن بدون وضو را حرام می دانند ، دو دلیل وجود دارد :

دلیل اول : آیه لا یمسه الا المطهرون است ، این آیه مؤید هم دارد و آن روایت ابراهیم بن عبدالحمید عَنْ أَبِي الْحَسَنِ (علیه السلام) قَالَ: الْمُصْحَفُ‏ لَا تَمَسَّهُ‏ عَلَى غَيْرِ طُهْرٍ وَ لَا جُنُباً وَ لَا تَمَسَّ خَيْطَهُ‏[[1]](#footnote-1) وَ لَا تُعَلِّقْهُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ‏ لا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ[[2]](#footnote-2)‏ است که از این آیه استناد کردند که بدون وضو قرآن مس نشود و جنب نباید دست به قرآن بزند و خط قرآن را هم مس نکند و قرآن را بر گردن و بدن خود آویزان نکند

اشکال : این روایت از نظر سند ( اما دلالت آن تام است )

اما مشکل سندی روایت : ابراهیم بن عبد الحمید ثقه و از اصحاب امام صادق علیه السلام است و امام رضا علیه السلام را درک کرده[[3]](#footnote-3) اما شیخ طوسی از علی ابن فضال نقل می کند با اینکه علی ابن فضال ثقه است و عارف به حدیث بود اما گاهی از ضعاف می کند[[4]](#footnote-4) و در این روایت از دو نفر نقل کرده که اسمی از آنها در علم رجال نیست یکی جعفر بن محمد بن حکیم و دیگری جعفر بن محمد بن ابی الصباح

اما مشکل از نظر دلالت آیه : شامل متن نوشته‌های قرآن نمی شود بلکه ظاهر آن این است که قرآن را تکریم کنید به قول زمخشری وصف خارجی قرآن است و در صدد جعل حکم تشریعی نیست چون کلمه مطهرون اسم مفعول است و اشاره به معصومین علیهم السلام دارد و اشاره به متطهر از حدث یا خبث ندارد چون مطهرون آنهایی اند که خداوند نفوس آنها را از پلیدی های گناه پاک کرده است و در وجودشان نفاق و .... نیست و منظور از مس هم علم است که معصومین علیهم السلام عالم به قرآن هستند و این معنا هم قرینه دارد و آن آیه تطهیر است که اهل البیت دارد

تفاوت نظریه زمخشری با ما این است که اگر وصف خارجی قرآن باشد به معنای این است که قرآن را بر زمین نگذارید یا جلوی آن دراز نکشید اما طبق نظر ما درک واقعی قرآن بدست معصومین علیهم السلام است

لو سلمنا : اگر تنزل کنیم و قبول کنیم آیه دلالت بر متطهر از حدث یا خبث دارد و منظور آن این است که بدون وضو یا غسل به نوشته های قران دست نزنید باید تصرفاتی در ظاهر آیه شود ، یکی اینکه مطهرون را اسم فاعلی باید خواند در حالی که ظاهر آیه به صورت اسم مفعولی است یعنی مطهَّرون و دوم اینکه لای در لا تمسه را باید ناهیه گرفت یعنی حرام است بدون وضو یا غسل مس شود واگر لای نافیه گرفته شود باید تأویل دیگری بگیریم که از این جمله خبریه در مقام انشاء اراده شود و چون برای هیچ کدام از اینها دلیل نداریم از این احتمال ظاهر آیه صرف نظر می کنیم که دلالت بر حرام بودن مس بدون وضو دارد

اما دلیل از سنت دو روایت است :

روایت اول از حَرِيزٍ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ‏(علیه السلام) قَالَ: كَانَ إِسْمَاعِيلُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام)عِنْدَهُ فَقَالَ يا بُنَيَّ اقْرَأِ الْمُصْحَفَ فَقَالَ إِنِّي لَسْتُ‏ عَلَى‏ وُضُوءٍ فَقَالَ لَا تَمَسَّ الْكِتَابَةَ وَ مَسَّ الْوَرَقَ فَاقْرَأْه‏.[[5]](#footnote-5) و هذه الروایة إن کانت التامّة من جهة الدلالة إلّا أنّها ضعیفة بالإرسال.

روایت دوم : موثقه ابی بصیر قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) عَمَّنْ قَرَأَ فِي‏ الْمُصْحَفِ‏ وَ هُوَ عَلَى‏ غَيْرِ وُضُوءٍ قَالَ لَا بَأْسَ وَ لَا يَمَسَّ الْكِتَابَ.[[6]](#footnote-6) ( کتاب در این حدیث به معنای مکتوب است )

بحث از نظر متن عروه این است که آیا مس کتابت قرآن غایت برای وضو هست یا نه ؟ مرحوم سید یکی از غایات وضوی واجب را مس کتابت قرآن گرفتند ، به نظر ما تبعا لاکثر فقهای متاخرین ، مس غایت برای وضو نیست چون مس کتابت قرآن از دو صورت خارج نیست :

صورت اول : حرام است چنانکه از روایات استفاده شد که در این فرض وضو مقدمه می شود برای ترک حرام و وجوب مقدمه ، وجوب عقلی است و نفسی نیست

صورت دوم : جواز مس کتابت قرآن متوقف بر وضو باشد اینجا باز هم نمی تواند مس غایت وضو باشد چون جواز ، فعل مکلف نیست و عمل مکلف را جواز نمی گویند لذا اگر وضو بخاطر مس کتاب واجب می شود از باب مقدمه واجب می‌شود پس وجوب وضو ، وجوب مقدمی غیری است

در پایان این بحث به دو امر اشاره می شود :

امر اول : اگر کسی نذر کند مس کتابت قرآن را این نذر منعقد نمی‌شود چون مس کردن رجحان ندارد و صحت نذر متوقف بر رجحان است

امر دوم : اگر قرآن در آب چاه افتاد یا نجس شد نباید تاخیر کرد و بر مکلفین واجب است بر بیرون آوردن قرآن و طهارت آن و نیازی به وضو ندارد چون هتک قرآن حرام است و اینجا قاعده تزاحم جاری است از یک طرف دست زدن به خط قرآن حرام و از طرف دیگر ماندن قرآن در چاه یا نجاست هتک و حرمت آن شدید است لذا دوران بین اهم و مهم است و اهم مقدم است

برخی از فقها قائل به تیمم اند در اینجا ، اما اقای خویی بر این فتوا اشکال دارند که تیمم برای کسی است که فاقد طهارت مائیه است لذا با توجه به اینکه آب در دسترس است تیمم وجهی ندارد

رد اشکال:

اولا : چون درمیان فقها مبنای دیگری هم هست که : کل عمل لا یصحّ الا بالوضوء لو لم یتمکن من الوضوء فعلیه بالتیمم ، لذا بر اساس این مبنا بر ایشان واجب است تیمم کند در صورتی که تیمم باعث تاخیر نشود و نظر استاد هم همین است

ثانیا : در ضیق وقت همه فقها حتی آقای خویی فرمودند بجای وضو تیمم کند در حالی که واجد آب هم هست آنهم بر طبق مبنای فوق.

1. - في نسخة- خطه،( منه قده). [↑](#footnote-ref-1)
2. - وسائل، ج1،ص269، باب12 من ابواب الوضوء. [↑](#footnote-ref-2)
3. - جامع الرواه، ج1، ص23. [↑](#footnote-ref-3)
4. - نفس المصدر، ص569. [↑](#footnote-ref-4)
5. - وسائل الشيعة ، باب12 باب استحباب وضوء لمس کتابه...ح2. [↑](#footnote-ref-5)
6. - نفس المصدر،ح1. [↑](#footnote-ref-6)